

حقوق و تکالیف دارنده چک در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی کنوانسیون ژنو

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۵/۲۸

مهدی رضایی^۱

چکیده:

قانون‌گذار در موادی از قانون تجارت از جمله مواد ۲۴۹ و ۳۱۴ آن و همچنین موادی از قانون صدور چک مانند مواد ۳ و ۷ قانون مذکور به حقوق دارنده چک، پرداخته و پیش‌بینی کرده است که دارنده حق دارد در صورت عدم تأدیه و اعتراض، از طریق اقامه دعوی حقوقی، صادرکننده، ظهرنویس و ضامن را به‌نحو تضامنی تعقیب نماید و نسبت به صدور قرار تأمین، بدون تودیع خسارات احتمالی، مطالبه وجه چک، خسارات تأخیر تأدیه و خسارات دادرسی، اقدام نماید و همچنین از طریق دایره اجرای اسناد رسمی و بدون نیاز به انجام هرگونه اقدام قضایی، وجه چک را از صادرکننده وصول نماید و در صورت وجود شرایطی از طریق شکایت کیفری، صادرکننده چک بلامحل را مورد تعقیب و مجازات قرار داده و وجه چک و ضرر و زیان خود را مطالبه نماید. همچنین دارنده چک می‌تواند نسبت به انتقال آن از طریق قبض و اقباض یا ظهرنویسی اقدام نماید.

دارنده چک مکلف است به موجب مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت ظرف مواعد مقرر از تاریخ صدور چک، نسبت به مطالبه وجه چک و در صورت عدم تأدیه آن نسبت به واخواست و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت اقدام نماید. چرا که در چنین صورتی می‌تواند از امتیازات مقرر در مواد ۲۴۹ و ۳۱۴ قانون تجارت راجع به مسئولیت تضامنی امضاکنندگان، منتفع گردد. همچنین با وجود شرایطی دارنده چک می‌تواند از طریق شکایت کیفری نیز صادرکننده آن را مورد تعقیب و مجازات قرار دهد. به موجب ماده ۱۱ قانون صدور چک، دارنده چک برای این که بتواند علیه صادرکننده چک بلامحل اقامه دعوا نماید، بایستی ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ صدور چک برای وصول وجه چک به بانک محل‌علیه مراجعه نماید و در صورت عدم تأدیه آن نسبت به اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت چک اقدام و ظرف مدت شش‌ماه از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت چک مبادرت به طرح شکایت کیفری نماید.

واژگان کلیدی: چک، برات، ظهرنویسی، اجرائیه ثبتی، سند لازم‌الاجرا، کنوانسیون ژنو.

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۴۳۶ تهران و کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

مقدمه:

چک، یکی از اوراق تجارتي و رایج‌ترین وسیله برای پرداخت است که قائم‌مقام پول رایج کشور شده است و در سطح جهانی نیز ابزاری برای پرداخت است؛ چک به عنوان ساده‌ترین وسیله پرداخت، نقش به‌سزایی در تنظیم روابط، اعمال حقوقی و دادوستدهای مردم دارد. مطابق ماده ۳۱۰ ق.ت. محال‌علیه می‌تواند بانك یا افرادی غیربانکی باشند. البته ناگفته نماند به‌موجب قانون صدور چک اگر محال‌علیه «بانك» باشد، دارنده چک می‌تواند نسبت به شکایت کیفری و وصول وجه چک از طریق اجرای ثبت اقدام نماید.

هم‌چنین، مطابق ماده یک قانون صدور چک، انواع چک به چهار دسته؛ ۱ - چک عادی، ۲ - چک تأییدشده، ۳ - چک تضمین‌شده و ۴ - چک مسافرتی تقسیم شده است. با توجه به اینکه در تحقیق صورت‌گرفته، مجال بررسی تمام انواع چک‌های مذکور وجود ندارد، لذا، فقط حقوق و تکالیف دارنده چک عادی یعنی چکی که اشخاص عهده بانك‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

در بیشتر نظام‌های حقوقی مطالعه دیگر اسناد تجاری از جمله سفته و چک بیشتر بر محور خصائص برات دور می‌زند؛ همچنان که قسمت اخیر ماده ۳۱۴ ق.ت. مقرر می‌دارد:

«...مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوا و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.»

بنابراین، شناخت این سند تجاری (چک) منوط به شناخت مقررات برات است؛

از نظر حقوق مدنی، چک در دسته اسناد عادی قرار دارد. (مواد ۱۲۸۶ و ۱۲۸۷ ق.م.) اما از دیدگاه حقوق تجارت، چک به عنوان يك سند تجاری تلقی شده و نسبت به خود دارای مزایایی می‌باشد که سایر اسناد عادی غیرتجاری، فاقد آن مزایا و ویژگی‌ها می‌باشند. اصطلاحات کلیدی در این یادداشت عبارت است از؛ چک، برات، سفته، دارنده چک، ظهرنویسی، اجرائیه ثبتی، سند لازم‌الاجرا، دستور اجرا، کنوانسیون (قرارداد بین‌المللی)، کنوانسیون ژنو راجع به چک.

الف - حقوق دارنده چک

۱ - حقوق دارنده چک نسبت به انتقال آن

۱ - ۱ - انتقال از طریق قبض و اقباض

چک، سندی است تجاری که قابل انتقال می‌باشد و چک را می‌توان از طریق قبض و اقباض به دیگری منتقل نمود و این شکل انتقال بدون تعیین علت معتبر است؛ ولی انتقال از طریق قبض و اقباض، مشروط بر این است که چک در وجه حامل صادر شده باشد و یا این که هیچ قیدی در مورد دارنده، روی چک وجود نداشته باشد؛ چرا که سند در وجه حامل در حکم مال منقول است و دارنده آن مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می‌شود.

۲ - ۱ - انتقال از طریق ظهرنویسی

همان طوری که بعضی از حقوق دانان اعلام نموده‌اند: ظهرنویسی یعنی اعلام اراده مبنی بر واگذاری، پشت سند انجام شود و کلمه ظهرنویسی هم به این معناست.^۱

قانون تجارت ایران، تعریفی از ظهرنویسی ارائه نکرده است؛ ولی به نظر می‌رسد ظهرنویسی یا پشت‌نویسی در اصطلاح حقوق تجارت، عبارت است از قید عبارتی در ظهر ورقه چک که این عمل حقوقی، اغلب وسیله انتقال چک به شخص منتقل‌الیه یا دارنده جدید، محسوب می‌گردد.

ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی ژنو در بخش دوم، زیر عنوان «در انتقال» مقرر داشته: «چک در وجه شخص معین با قید صریح «به حواله کرد» یا بدون آن، به وسیله ظهرنویسی قابل انتقال است.»

چک در وجه شخص معین با قید صریح «بدون حواله کرد» یا عبارتی نظیر آن، تنها به صورت انتقال ساده و با آثار مترتب بر آن قابل واگذاری به غیر می‌باشد.

چک ممکن است به نفع صادرکننده یا هر طرف دیگر در سند ظهرنویسی گردد. این اشخاص نیز مجاز به ظهرنویسی مجدد خواهند بود.^۲

البته ناگفته نماند، ظهرنویسی، فقط برای انتقال مالکیت آن به عمل نمی‌آید بلکه در عمل از ظهرنویسی برای وکالت یا ضمانت و یا برای وثیقه گذاشتن چک نیز استفاده

۱. فخاری، امیرحسین، جزوه درسی پلی‌کی‌شده حقوق تجارت بین‌الملل، دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۵، ص. ۵.

می‌شود ولی اصولاً و در اغلب موارد ظهرنویسی برای انتقال است. ماده ۲۴۷ ق.ت. این مطلب را با صراحت بیان نموده که به موجب ماده مزبور «ظهرنویسی حاکی از انتقال است.»

۲ - اقدامات قانونی

۲ - ۱ - حق اقامه دعوی کیفری

مطابق ماده ۲ ق.م.ا. «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.» و مطابق ماده ۷ ق.ص.ج.^۱ صدور چک بلامحل، جرم محسوب می‌شود. نکته دیگر آن که همزمان با اعلام جرم علیه صادرکننده چک بلامحل می‌توان از طرق دیگر نیز جهت وصول وجه چک اقدام نمود. ماده ۱۸۷ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی در این خصوص مقرر می‌دارد: «اعلام جرم علیه صادرکننده چک بلامحل به مقامات صلاحیت‌دار، مانع درخواست صدور اجرائیه برای وصول وجه چک از طریق اداره ثبت نخواهد بود مگر این که دستوری در این باره از طرف مقامات قضایی صادر شود.»^۲

مطابق مواد ۱۱ و ۱۳ ق.ص.ج. برای تعقیب جزایی صادرکننده چک بلامحل وجود شرایط ذیل لازم است: ارائه چک ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ سررسید آن به بانک، اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت، طرح شکایت کیفری ظرف حداکثر مدت ۶ ماه از تاریخ برگشت، صدور چک به تاریخ روز (وعده‌دار نباشد)، برگشت چک توسط شاکی برای اولین بار، عدم صدور چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهد، وصول وجه آن منوط به تحقق شرط، سفید امضا و...، عدم انتقال چک یا حقوق آن پس از طرح شکایت کیفری.

موضوع مهم و مبتلابه که در جریان تعقیب و رسیدگی به اتهام صدور چک بلامحل مطرح می‌شود، نحوه و چگونگی وصول وجه چک می‌باشد. نکته قابل توجه آن است که دارنده چک یا وکیل وی به عنوان شاکی می‌تواند همزمان با طرح شکایت کیفری با تقدیم دادخواست ضرر و زیان علاوه بر مطالبه وجه چک برگشتی یا کسری موجودی آن، هزینه

۱. یادآوری: در این یادداشت به جای عبارت «قانون صدور چک» به اختصار «ق.ص.ج.» به کار برده می‌شود.

۲. به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۵۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲۴.

دادرسی (شامل وجوه بابت ابطال تمبر و حق الوکاله)، خسارات تأخیر تأدیه را نیز طلب نماید که در این صورت دادگاه ملزم خواهد شد، ضمن صدور حکم جزایی در این مورد نیز حکم صادر نماید.

۲-۲- حق اقامه دعوی حقوقی

یکی دیگر از طرق وصول چک مراجعه به دادگاه‌های حقوقی است. طبق ماده ۲ ق.آ.د.م.: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر این که شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند»

کنوانسیون ژنو در بخش ششم، تحت عنوان «در حق رجوع به جهت عدم تأدیه» از ماده ۴۰ تا ۴۸ حقوق دارنده چک را در اقامه دعوا و استفاده از مسئولیت تضامنی همه مسئولین چک تصریح کرده است. ماده ۴۴ کنوانسیون مذکور مقرر می‌دارد:

«اشخاصی که به موجب چک متعهدند، همگی در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند. دارنده حق دارد، بدون الزام به رعایت ترتیب تعهد هر یک از حیث تاریخ، علیه اشخاص فوق، مجتمعاً یا منفرداً اقامه دعوا نماید.

همین حق را هر شخص صاحب امضا در چک در صورت پرداخت مبلغ آن داراست. اقامه دعوا علیه یکی از مسئولین چک مانع اقدام علیه دیگران نیست، ولو این که تاریخ تعهد آنها مؤخر بر تعهد شخص مورد تعقیب باشد.»

با توجه به این که چک یکی از اوراق تجاری و رایج‌ترین وسیله پرداخت است که قائم‌مقام پول رایج کشور شده است و نظر به اهمیت و نقش چک به عنوان ساده‌ترین وسیله پرداخت و تنظیم‌کننده روابط و اعمال حقوقی و داد و ستد در بین مردم و ضرورت حفظ نظم و تأمین امنیت فعالیت‌های اقتصادی جامعه، قانون‌گذار مزایای بیشتری در خصوص این سند تجاری نسبت به دیگر اسناد تجاری بیان نموده است که از آن جمله می‌توان به ماده ۱۶ ق.ص.ج. اشاره کرد.

ماده ۱۶ ق.ص.ج. مقرر می‌دارد: «رسیدگی به کلیه شکایات و دعوای جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.»

هم‌چنین، علاوه بر ماده ۱۱ ق.آ.د.م. (امکان طرح دعوا در محل اقامت خواننده) در

خصوص اسناد تجاری - من جمله چك - قانون گذار به موجب ماده ۱۳ قانون یادشده از حیث صلاحیت قائل به امتیاز شده و چنین مقرر داشته است: «در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام شود.» در حالی که در خصوص طلب عادی، خواهان باید طبق قاعده کلی در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه دعوا نماید. مضافاً این که قانون گذار، دادرسی بدون تشریفات، خارج از نوبت و سرعت دادرسی را تأکید نموده و نظر به تشکیل دادگاه تخصصی و یا اختصاص یافته دارد.^۱

یکی از امتیازات اسناد تجاری مسئولیت تضامنی مسئولین آن می باشد؛ در نظام حقوقی ایران در باب مسئولیت جمعی اصل بر مسئولیت نسبی یا مشترک است و مسئولیت تضامنی جنبه استثنایی دارد و در صورتی مسئولیت تضامنی برقرار می گردد که نص خاص چنین مسئولیتی را پیش بینی نموده باشد، این نص می تواند قانون باشد یا قرارداد و ایجاد مسئولیت تضامنی مطابق قانون در ماده ۴۰۳ ق.ت. به صراحت بیان شده است.^۲ در حقوق ایران ماده ۲۴۹ ق.ت. با صراحت کامل، این مورد را بیان کرده است.

البته مهلت قانونی وصول وجه چك از ظهرنویسان محدود است؛ این موضوع به صراحت در ماده ۳۱۵ و ماده ۳۱۷ ق.ت. بیان گردیده است.

جهت سهولت و آسانی احقاق حق شاکی و خواهان (حسب مورد) تأمین خواسته از ابزارهایی است که قانون گذار برای جلوگیری از تضییع حق ایشان پیش بینی کرده است. به این صورت که دارنده چك می تواند حتی قبل از طرح دعوی اصلی به میزان خواسته از اموال طرف را توقیف نماید و درخواست کننده تأمین از پرداخت خسارات احتمالی معاف است. (ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م.)

علت عدم امکان درخواست تأمین در دعاوی مستند به اسناد تجاری آن است که

۱. بهرامی، بهرام، وصف جایگزینی (وصف تبعی در اسناد تجاری)، ج. ۲، بهار ۱۳۸۳، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، ص. ۶
۲. رسولی، مجید، پایان نامه کارشناسی ارشد، ضمانت در اسناد تجاری، مؤسسه عالی بانکداری ایران، بهار ۱۳۸۱، ص. ۲.

اصولاً ایرادی نسبت به این اسناد پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا وصف تجربیدی دارند و مسئول پرداخت وجه این اسناد، معمولاً محکوم به پرداخت می‌شود.^۱

تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶/۰۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مقرر می‌دارد:

«دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های واردشده که مستقیماً و به‌طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم، تقدیم کند.»

۲- ۳- حق مطالبه وجه چک و کلیه خسارات وارده از طریق اجرای ثبت

ماده ۲ ق.ص.ج. مقرر می‌دارد:

«چک‌های صادر عهده بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند هم‌چنین شعب آن‌ها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقی‌مانده آن را از صادرکننده وصول نماید...»

بند (الف) ماده یک آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷/۰۶/۱۱ در تعریف «سند لازم‌الاجرا» مقرر می‌دارد: «سند رسمی یا عادی که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجرای مدلول سند باشد. مانند: سند رسمی طلب و چک»^۲

هم‌چنین ماده ۱۸۹ آیین‌نامه مذکور مقرر می‌دارد: «دارنده چک که حق تقاضای صدور اجرائیه دارد، اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او ظهرنویسی شده یا حامل چک (در مورد چک‌های در وجه حامل)»

شایان ذکر است که این ماده شبیه بند اخیر ماده ۲ ق.ص.ج. می‌باشد، با این تفاوت که عبارت (یا قائم‌مقام قانونی آنان) در آخر ماده ذکر نشده است.

۱. زراعت، عباس، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، ج. اول، تهران، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۳۸۶، ص. ۳۲۳.

۲. به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۵۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲۴.

نکته مهمی که باید یادآوری گردد، این است که فقط چک‌های موضوع ماده ۲ ق.ص.ج. در حکم اسناد لازم‌الاجرا هستند و برات و سفته در حکم اسناد لازم‌الاجرا نیستند و صدور اجرائیه از طریق مراجع ثبتی بر خلاف اقامه دعوا مشمول «مرور زمان» نمی‌گردد. بنابراین در صورت شامل شدن مرور زمان در موارد جزایی یا حقوقی، دارنده چک بلامحل، مختار است از طریق صدور اجرائیه، اقدام به استیفای حق خود نماید و این مزیت در هیچ‌یک از طرح دعاوی حقوقی و کیفری وجود ندارد؛ چرا که در صورت فوت صادرکننده چک، اقدام جزایی موقوف می‌گردد. همچنین، صدور اجرائیه مانند تعقیب جزایی منحصراً علیه صادرکننده چک بلامحل امکان‌پذیر می‌باشد و ظهنویس یا ضامن شامل این موضوع نمی‌شوند و در صورتی که صادرکننده چک بلامحل یا وکیل یا نماینده قانونی او فوت نماید، اجرائیه موقوف نمی‌گردد و عملیات اجرایی علیه اموال باقیمانده از متوفی و به طرفیت وراثت وی صادر می‌شود. همچنین مطابق ماده ۱۹ ق.ص.ج. و ماده ۱۹۰ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا، در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب، متضامناً مسئول پرداخت وجه چک می‌باشند و اجرائیه و حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود. لذا، این حق برای دارنده ایجاد شده که به ثبت اسناد محل بانک محل علیه مراجعه نموده و با صدور اجرائیه و توقیف اموال وی طلب خود را مطالبه و دریافت نماید. البته شایان ذکر است که در صورت اقدام دارنده چک از طریق دایره اجرای اسناد رسمی، این حق برای او محفوظ است که ضمن تقاضای مطالبه وجه چک، درخواست خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات دادرسی را نیز بنماید. به نظر می‌رسد با توجه به اصل استقلال امضا و وصف تجریدی اسناد تجاری مانعی وجود ندارد که با اصلاح ماده مذکور، علیه ظهنویس نیز اجرائیه صادر شود. قانون فرانسه که الهام‌بخش قانون تجارت ما بوده است، به صراحت بیان می‌دارد؛ دارنده بدون نیاز به دستور دادگاه از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۳ می‌تواند توسط اجرای دادگاه و یا ثبت، اموال ظهنویسان و صادرکننده را توقیف نماید.

اقدام از طریق اجرای ثبت بر خلاف اقدام از طریق دادگستری که مستلزم تقدیم دادخواست و تشریفات دادرسی و قطعیت حکم و... می باشد، مدت زمان کمتری را جهت حصول نتیجه نیازمند است.^۱

اختصاراً سیر اجرا بدین نحو است که پس از درخواست صدور اجرائیه از سوی متقاضی و ارائه مدارک از سوی مسئول دایره اجرای ثبت از متقاضی احراز هویت به عمل می آید و پس از احراز هویت و تحویل رسید به متقاضی به دستور رئیس اداره اجرا، اجرائیه صادر و به امضای رئیس دایره اجرا می رسد و سپس توسط مأمورین ابلاغ می شود و از این نظر نیاز به آگهی در مطبوعات نیست و ابلاغ به اقامتگاه قانونی (آدرس بانکی) به عمل می آید. پس از ابلاغ، اوراق ابلاغ شده به پرونده بر می گردد و در صورتی که همچنان در موعد مقرر مدیون (صادرکننده چک) از پرداخت چک خودداری کند، اموال منقول و غیرمنقول وی طبق مقررات قانونی قابل بازداشت است و از این طریق وجه چک قابل مطالبه می باشد. پس از بازداشت اموال منقول و غیرمنقول، ارزیابی توسط کارشناس انجام و وجوه مربوطه (طلب متقاضی) به وی داده می شود و نیم عشر اجرایی نیز از اموال مدیون اخذ می شود؛ البته ناگفته نماند که با شروع عملیات اجرایی در هر صورت علی الروال، نیم عشر اجرایی توسط ثبت از متقاضی اجرا دریافت و در نهایت مدیون ضمن محکومیت به پرداخت وجه چک و سایر خسارات دیگر به پرداخت نیم عشر اجرایی نیز محکوم می گردد.^۲

ماده ۱۸۳ آیین نامه مذکور مقرر می دارد:

«درخواست اجرای چک از ثبت محلی که بانک طرف حساب صادرکننده چک در آن محل واقع است

به عمل می آید. برای صدور اجرائیه در مورد چک باید اوراق زیر به ثبت محل تسلیم شود:

۱. تقاضانامه مخصوص صدور اجرائیه.

۲. اصل و فتوکپی مصدق چک و برگشتی آن.

۱. دمیرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی و قرائی، محسن و... قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میثاق عدالت، ج. ۴، ۱۳۸۴، ص. ۶۰۸.

۲. یعقوبی، عبدالهاشم، نحوه رسیدگی به جرایم چک و دعاوی چک و سفته در دادگستری و اجرای ثبت، ج. ۳، انتشارات بهنامی، تهران، ۱۳۸۳، ص. ۲۰۲.

تبصره: درخواست اجرای چک‌های صادره از شعب بانک‌های ایرانی خارج از کشور در اجرای ثبت تهران به عمل می‌آید.»^۱

هم‌چنین ماده ۱۸۴ آیین‌نامه مذکور مقرر می‌دارد:

«هرگاه چک نسبت به قسمتی از مبلغ آن بدون محل باشد، دارینده چک نسبت به باقی‌مانده، حق صدور اجرائیه دارد.»

متقاضی اجرائیه باید قبل از صدور اجرائیه مبلغ مقرر جهت صدور اجرائیه را به صندوق اجرای ثبت پرداخت نماید و لیست اموال متعلق به صادرکننده چک به استثنای مستثنیات دین را به دایره اجرای اسناد رسمی معرفی نماید، چرا که برابر بخشنامه‌های ثبتی به شماره‌های ۱۰/۳۰۱ مورخ ۱۳۶۰/۰۱/۱۹ و ۱۰/۷۲۶ مورخ ۱۳۶۰/۰۲/۰۱ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که به استناد مصوبه شورای عالی قضایی صادر گردیده، مسکن متناسب و مورد نیاز بدهکار و عائله او و وسایل دیگر از قبیل تلفن و وسایل رفت و آمد جزو مستثنیات دین بوده و به وسیله اجرائیه ثبتی، قابل توقیف و بازداشت نیستند.

ماده ۶۱ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا در خصوص مستثنیات دین مقرر می‌دارد:

«اموال و اشیای زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی‌شود:

۱. مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب‌النفقة او.
 ۲. لباس، اشیا، اسباب و اثاثی که برای رفع حوایج متعهد و اشخاص واجب‌النفقة او لازم است.
 ۳. آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عائله او.
 ۴. وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب‌النفقة آنان.
 ۵. وسیله نقلیه متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب‌النفقة او.
 ۶. سایر اموال و اشیایی که به موجب قوانین خاص، غیرقابل توقیف می‌باشد.
- تبصره ۱ - در صورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال به‌جا مانده از او بدون استثنای چیزی، استیفا می‌شود.

تبصره ۲ - در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیای موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده ۱۶۹ این آیین‌نامه اتخاذ تصمیم خواهد کرد.»

۱. نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۵۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲۴.

۳- شرایط صدور اجرائیه

برای صدور اجرائیه از طریق دایره اجرای ثبت وجود شرایطی لازم و ضروری است که در ماده ۲ ق.ص.ج. و آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا بیان گردیده است که شرایط لازم به شرح ذیل می باشد؛

۱. چک عهده بانکی صادر شده باشد که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده باشد و همچنین شعب آنها در خارج از کشور.

۲. جهت درخواست اجرائیه، دارنده چک می بایست به دایره اجرای ثبت واقع در محل بانک - طرف حساب صادرکننده چک مراجعه نماید.

۳. مراجعه دارنده چک به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه چک و اخذ گواهینامه عدم پرداخت از طرف بانک محال علیه.

۴. گواهی مطابقت امضای چک با نمونه امضای موجود در بانک توسط بانک.

۵. تنظیم و تسلیم تقاضانامه مخصوص صدور اجرائیه چک به دایره اجرای اسناد رسمی به انضمام اصل و فتوکپی مصدق چک و گواهینامه عدم پرداخت چک و گواهینامه مطابقت امضا.

شایان ذکر است که قانون متحدالشکل ژنو، راجع به چگونگی و کیفیت «مطالبه وجه چک از طریق اجرای ثبت» و ماهیت حقوقی آن، وارد بحث نشده و همان طوری که قبلاً نیز بیان گردید، فقط ماده ۴۴ کنوانسیون مذکور به حق اقامه دعوا توسط دارنده علیه متعهدین چک، مجتمعاً یا منفرداً، بدون رعایت ترتیب تعهد از حیث تاریخ صراحت دارد.

ب - تکالیف دارنده چک

۱. تکالیف دارنده چک در صورت وجود محل چک

۱ - ۱ - ارائه چک جهت مطالبه وجه آن در مهلت مقرر قانونی و ضمانت اجرای آن

ماده ۳ مکرر قانون صدور چک الحاقی مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ مقرر می دارد: «چک فقط در

تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.»

لذا، مطابق مفهوم مخالف ماده مذکور، چک، قبل از تاریخ مندرج در آن قابل وصول از

بانك نخواهد بود. بنابراین، دارنده چك حق ارائه چك و درخواست پرداخت وجه چك یا صدور گواهینامه عدم پرداخت وجه چك را قبل از تاریخ مندرج در آن ندارد. البته در صورت بلامحل بودن چك برای این که دارنده بتواند از مزایای قانونی چك استفاده نماید باید در ظرف مهلت‌های مقرر قانونی، چك را به بانك ارائه نماید.

دعوا علیه مسئولان پرداخت وجه چك بلامحل باید در مهلت مقرر قانونی در دادگاه مطرح شود و الا دعوای مذکور در برخی موارد مشمول مرور زمان می‌گردد.

البته موضوعی که در این جا لازم است، رفع ابهام گردد، این است که مطابق ماده ۳۱۳ ق.ت. «وجه چك باید به محض ارائه کارسازی شود.» و مطابق قسمت اخیر ماده ۳ ق.ص.ج. «هرگاه در متن چك شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانك به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.» مستنبط از مواد مذکور این است که پرداخت وجه چك به رؤیت است و دارنده چك امکان وصول فوری و بدون قید و شرط وجه چك را دارد و صدور چك نباید وعده‌دار باشد که این موضوع در حال حاضر با تصویب ماده ۳ مکرر قانون مذکور الحاقی مصوب ۱۳۸۲/۰۶/۰۲ اجازه ضمنی و تلویحی به صدور چك وعده دار داده است و دارنده چك نیز الزاماً بایستی در تاریخ مندرج در چك جهت وصول وجه چك یا در صورت بلامحل بودن جهت اخذ گواهی نامه عدم پرداخت وجه چك به بانك مراجعه نماید.

ماده ۲۸ قانون متحدالشکل ژنو^۱ مقرر می‌دارد: «چك به رؤیت قابل پرداخت است و شرط خلاف، بلااعتبار می‌باشد. چکی که پیش از روز مذکور در آن جهت پرداخت به بانك ارائه شده است، در روز ارائه قابل پرداخت می‌باشد.»

لذا، هرگاه چکی قبل از تاریخی که به منزله تاریخ صدور آن ذکر شده، ارائه شود در روز ارائه قابل پرداخت می‌باشد.

البته ناگفته نماند که در کنوانسیون ژنو نیز صدور چك وعده‌دار را به صورت اجمالی پیش‌بینی کرده و این امر را بر عهده قوانین داخلی کشورها محول کرده است. بند یک ماده ۷ قرارداد دوم کنوانسیون مذکور زیر عنوان «کنوانسیون راجع به حل بعضی موارد تعارض

۱. رک.: کنوانسیون راجع به قانون متحدالشکل در خصوص چك مصوب ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو.

قوانین در خصوص چک " مقرر می‌دارد: «قانون کشور محل پرداخت، موارد زیر را تعیین می‌کند:
 ۱. آیا چک لزوماً سند به رؤیت است یا می‌تواند به وعده از رؤیت نیز تنظیم گردد و همین‌طور
 این‌که صدور چک با درج تاریخ مؤخر چه آثاری دارد»؛

ماده ۳۱۳ ق.ت. نیز مبنی بر این امر است که وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود. لحن آمرانه ماده می‌رساند که حتی اگر چک دارای تاریخ مؤخر باشد باز باید در زمان ارائه بر فرض که ارائه قبل از تاریخ منعکس در چک باشد، پرداخت گردد. اداره حقوقی قوه قضائیه در همین راستا اعلام داشته است، صدور چک مؤجل محمول بر حال است و قبل از حلول موعد و یا ارائه آن به بانک محال علیه قابل وصول می‌باشد. به عبارت دیگر، سررسید چک تأثیری در زمان مطالبه ندارد و چک به وعده عندالمطالبه قابل وصول است. در خصوص عملیات اجرایی از طریق اجرای ثبت، اجرائیه پس از سررسید صادر می‌شود. اما قاعده دیداری بودن چک که مبنای حقوقی محکمی در قانون تجارت ایران دارد، در اصلاحات سال ۸۲ نادیده گرفته شده است و با نادیده گرفتن آن چک به صورت وسیله مطمئن برای پرداخت‌های مدت‌دار و احیاناً کسب اعتبار در آمده است. به این ترتیب چک از مبنای اصلی خود دور شده است.

کمیسیون حقوق تجارت شورای عالی توسعه قضایی در این رابطه پیشنهاد نموده است چنانچه تاریخ مندرج در چک به عنوان تاریخ صدور مؤخر بر تاریخ واقعی صدور باشد، اعتبار چک را دارد، مع‌ذالك مسئولان سند از حیث رعایت مهلت ارائه و اقامه دعوا حق استناد به تاریخ واقعی را ندارند.

البته ناگفته نماند که در قوانین صدور چک که تاکنون به تصویب رسیده يك «حلقه گم‌شده» وجود دارد و آن «نظام بانکی» است که پیشنهاد می‌شود وظایف و تکالیف دقیق را از زمان افتتاح حساب و دادن دسته چک تا صدور چک پرداخت‌نشده و نیز تضمین پرداخت وجه چک پیش‌بینی نماید و به‌موجب این مقررات بانک تکلیف داشته که صلاحیت شخصی که جهت باز نکردن حساب جاری مراجعه کرده است را بررسی کند. مثلاً میزان دارایی، اخذ دو ضامن معتبر، کارکرد فعال حساب جاری حداقل به مدت شش ماه تا يك

سال و سپس اعطای دسته چک و البته براساس معیارهای مشخص و قابل کنترل که چنانچه بانک از این معیارها تخطی کرد، مسئولیت مدنی داشته باشد و همچنین به محض یا ظرف مهلت کوتاه پس از عدم پرداخت اولین چک، به صادرکننده اخطار کند تا تمامی چک را مسترد نماید و مراتب را به سایر بانکها نیز اعلام کند تا دسته چکهای وی را پس بگیرند و موضوع به بانک مرکزی هم اعلام شود.

درخصوص مدت ارائه چک به بانک محل علیه در قانون تجارت، محدودیتی برای مدت ارائه چک و مطالبه وجه آن از بانک محل علیه پیش بینی نشده و مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ ق.ت. مرور زمان مربوط به دعاوی چک را عنوان نموده که این موضوع ارتباطی به پرداخت وجه چک توسط بانک ندارد، اما در قانون صدور چک ماده ۱۱ قانون مذکور مهلت شش ماهه را جهت مطالبه وجه چک از تاریخ صدور و طرح شکایت کیفری از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت تعیین نموده است. چون ممکن است چندین نفر مسئول پرداخت وجه چک باشند، لذا دارنده چک برای این که بتواند جهت وصول وجه چک به دیگر مسئولین نیز مراجعه نماید، بایستی در مهلت های مقرر قانونی به بانک مراجعه نموده و ضمن ارائه چک، وجه آن را مطالبه نماید. در حقوق ایران، تکلیف قانونی دارنده چک - در خصوص مطالبه وجه چک در سر وعده - تعیین گردیده است.

ماده ۳۱۵ ق.ت. مقرر می دارد: «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه نماید و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد، باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود...»

ماده ۳۱۷ ق.ت. نیز مقرر می دارد: «مقررات راجعه به چک هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه نماید، چهار ماه از تاریخ صدور است.»

ماده ۱۱ ق.ص.ج. نیز مهلت شش ماهه را جهت مطالبه وجه چک از تاریخ صدور و طرح شکایت کیفری از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت تعیین نموده است.

ماده ۴۲ کنوانسیون ژنو در این خصوص ذیل عنوان بخش ششم «در حق رجوع به جهت عدم تأدیه» مقرر می دارد: «دارنده چک باید عدم تأدیه را به ظهرنویس خود یا به صادرکننده ظرف چهار روز غیر تعطیل از تاریخ تنظیم اعتراض نامه یا گواهی معادل آن و در مورد شرط "بارگشت

بدون مخارج" از روز ارائه چک، اطلاع دهد. هر ظهرنویس باید ظرف دو روز غیرتعطیل متعاقب روز دریافت اطلاع‌نامه، ظهرنویس ماقبل را با ذکر نام و نشانی آنهایی که اطلاع‌نامه‌های قبلی را برای او ارسال داشته‌اند، آگاه نماید و این عمل به همین ترتیب ادامه یابد تا به شخص صادرکننده برسد. مدت‌های فوق از تاریخ دریافت اطلاع‌نامه قبلی شروع می‌شود.

وقتی که مطابق بند فوق اطلاع‌نامه برای شخصی که چک را امضا کرده است ارسال شد، همین اطلاع باید در همان محدوده زمانی برای ضامن او نیز فرستاده شود. در مورد ظهرنویسی که نشانی خود را ذکر نکرده یا آن را به طور ناخوانا ذکر نموده است، تسلیم اطلاع‌نامه به ظهرنویس قبل از او کفایت می‌کند. شخص مکلف به دادن اطلاع‌نامه می‌تواند این عمل را به هر نحو، حتی به صرف اعاده چک، به انجام برساند.»

هم‌چنین، ماده ۲۹ کنوانسیون ژنو مقرر می‌دارد: «چک قابل پرداخت در کشور محل صدور، باید ظرف هشت روز جهت پرداخت ارائه گردد.

چک صادره در کشوری غیر از کشوری که در آن قابل پرداخت می‌باشد، باید ظرف بیست یا هفتاد روز، بسته به این که محل صدور و محل پرداخت هر دو در یک قاره یا یکی از آنها در قاره دیگری از جهان واقع شده باشد، ارائه گردد.

در این مورد، چک‌های صادره در یک کشور اروپایی و قابل پرداخت در یک کشور ساحلی مدیترانه یا برعکس، به عنوان چک‌های صادره و قابل پرداخت در یک قاره محسوب می‌شوند. مبدأ مهلت‌های فوق، در روز مذکور در چک به عنوان تاریخ صدور می‌باشد.»

همان طوری که ملاحظه می‌گردد، در کنوانسیون ژنو نیز مهلت‌هایی برای ارائه چک و مطالبه وجه آن در موعد مقرر پیش‌بینی شده است. نکته جالب توجه و نوآوری که در کنوانسیون مذکور به کار رفته این است که متعهدان پرداخت چک می‌توانند توسط شرط «بازگشت بدون مخارج» و «بدون اعتراض»، یا هر عبارت معادل آن که در سند قید و امضا می‌شود، دارنده را از تنظیم اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن، به منظور اعمال حق رجوع معاف نمایند که بهتر است این نکته مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون چک بعدی یا اصلاحات احتمالی بعدی، قرار گرفته و وارد قوانین ایران گردد.

ماده ۴۳ کنوانسیون ژنو مقرر می‌دارد:

«صادرکننده، ظهرنویس یا ضامن می‌تواند توسط شرط «بازگشت بدون مخارج» و «بدون اعتراض»، یا هر عبارت معادل آن که در سند قید و امضا می‌شود، دارنده را از تنظیم اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن، به منظور اعمال حق رجوع معاف نماید...»

بایستی گفت که ارائه چک در مهلت‌های مقرر قانونی و مطالبه وجه آن از تکالیف دارنده چک می‌باشد و مهلت‌های مقرر قانونی در خصوص مطالبه وجه چک به نفع و در حمایت و تقویت حقوق دارنده چک است و قانون‌گذار ایران در صورت عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی ضمانت اجرایی را تعیین نموده که به تفصیل بیان می‌گردد.

قسمت اخیر ماده ۳۱۵ ق.ت. مقرر می‌دارد:

«اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند، دیگر دعوی او

بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود...»

البته سؤال و شبهه‌ای که در این جا ممکن است پیش بیاید این است که آیا در صورت عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی جهت ارائه و مطالبه وجه چک، طرح دعوا علیه ضامن نیز منتفی است یا نه؟

بایستی گفت که جواب این سؤال در رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ بیان گردیده است به این مضمون که؛ «مهلت مقرر در ماده ۲۸۶ ق.ت. جهت استفاده از حقی که در ماده ۲۴۹ ق.ت. برای دارنده سند تجاری منظور گردیده، ناظر به طرح دعوا علیه ظهرنویس ظرف مهلت مقرر از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت است و ناظر به شخصی که به عنوان ضامن ظهر چک را امضا کرده و یا به هر تقدیر ضمانت وی از صادرکننده احراز شده، نیست.» زیرا با توجه به طبع ضمان و مسئولیت ضامن در هر صورت (بنابر قول ذمه به ذمه یا نقل آن) در قبال دارنده سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده ۲۸۹ ق.ت. درباره ضامن، مورد نداشته است.^۱

ماده ۱۱ ق.ص.ج. نیز مقرر می‌دارد:

«... در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند

یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت، شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد

داشت...»

بنابراین، در صورت قصور دارنده چک از انجام تکالیف خود، حق رجوع به ظهرنویسان و

۱. دمیرچیلی، همان، صص. ۵۴۶ و ۵۴۷.

طرح شکایت کیفری را از دست خواهد داد. اما نباید منکر این باشیم که دادن اختیار به مسئولان چک در افزایش مهلت ارائه چک و مطالبه وجه آن و یا تمدید آن اعتبار و سرعت لازمه گردش چک را به مخاطره می‌اندازد. لذا، ضرورت دارد قانون‌گذار در محدوده چهارچوب معینی به افراد اجازه فعالیت بدهد تا ضمن حفظ اعتبار این سند مهم تجاری، سرعت گردش آن را نیز - که از ویژگی‌های مهم آن محسوب می‌شود - افزایش دهد.

در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی جهت ارائه و مطالبه وجه آن در کنوانسیون ژنو ماده ۴۲ کنوانسیون مذکور بیان می‌کند: «*دارنده چک باید عدم تأدیه را به ظهرنویس خود یا به صادرکننده ظرف چهار روز غیرتعطیل از تاریخ تنظیم اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن و در مورد شرط «بازگشت بدون مخارج» از روز ارائه چک، اطلاع دهد. هر ظهرنویس باید ظرف دو روز غیرتعطیل متعاقب روز دریافت اطلاع‌نامه، ظهرنویس ماقبل را با ذکر نام و نشانی آنهایی که اطلاع‌نامه‌های قبلی را برای او ارسال داشته‌اند، آگاه نماید و این عمل به همین ترتیب ادامه یابد تا به شخص صادرکننده برسد. مدت‌های فوق از تاریخ دریافت اطلاع‌نامه قبلی شروع می‌شود.*

وقتی که مطابق بند فوق اطلاع‌نامه برای شخصی که چک را امضا کرده است ارسال شد، همین اطلاع باید در همان محدوده زمانی برای ضامن او نیز فرستاده شود. در مورد ظهرنویسی که نشانی خود را ذکر نکرده یا آن را به طور ناخوانا ذکر نموده است، تسلیم اطلاع‌نامه به ظهرنویس قبل از او کفایت می‌کند.

شخص مکلف به دادن اطلاع‌نامه می‌تواند این عمل را به هر نحو، حتی به صرف اعاده چک، به انجام برساند. و ضمانت اجرای عدم رعایت مواعد مقرر در این ماده در بند آخر همین ماده بدین صورت بیان گردیده است: «*عدم اطلاع ظرف این مهلت، حقوق شخص را زایل نمی‌کند، اما اگر بر اثر سهل‌انگاری او ضرر و زیانی وارد شود، این شخص مسئول جبران خسارات وارده حداکثر تا مبلغ اسمی چک خواهد بود.*»

هم‌چنین ماده ۵۲ کنوانسیون ژنو ذیل عنوان: «در مرور زمان» مقرر داشته:

«*دعاوی مبتنی بر حق رجوع دارنده علیه ظهرنویسان، صادرکننده و دیگر مسئولان چک پس از گذشت شش ماه از تاریخ انقضای مهلت ارائه سند، مشمول مرور زمان خواهد بود.*

دعاوی مبتنی بر حق رجوع مسئولان مختلف پرداخت چک نسبت به یکدیگر پس از شش ماه از روزی که مسئول پرداخت، چک را تأدیه نموده یا روزی که به وی مراجعه شده است، مشمول مرور زمان خواهد گردید.»

لذا، مستنبط از مواد مذکور این است که برخلاف قانون ایران، کنوانسیون ژنو مرور زمان شش ماهه را جهت طرح دعوا تعیین نموده که این امر سرعت لازم گردش چک را که از ویژگی‌های مهم آن محسوب می‌شود، افزایش می‌دهد.

۲-۲- محل ارائه چک

دارنده چک برای وصول وجه آن صرفاً بایستی به بانک محال علیه مراجعه نماید. ماده ۳۱۰ ق.ت. تصریح می‌کند که صادرکننده چک به بانک محال علیه دستور پرداخت می‌دهد. بنابراین باید نام پرداخت‌کننده چک معلوم باشد و امروزه معمولاً چک فقط برای (برعهده) بانک کشیده می‌شود و نام بانکی که باید وجه را پرداخت کند، در بالای چک چاپ شده است و صادرکننده چک به او دستور پرداخت می‌دهد.^۱

مستنبط از ماده مذکور و مواد ۳، ۲۹، ۳۶ و دیگر مواد مرتبط کنوانسیون ژنو این است که صادرکننده، چک را بر عهده بانکی صادر می‌نماید که در آن محل (موجودی) داشته باشد و بانک محال علیه می‌تواند هر بانکی در سراسر جهان باشد؛ لذا، دارنده بایستی جهت وصول وجه چک آن را به بانکی که در متن سند به عنوان محل پرداخت، معین گردیده، ارائه دهد.

باید توجه داشت که طبق بند اول ماده ۴ کنوانسیون ژنو مربوط به حل تعارض قوانین سال ۱۳۹۱ ژنو در مورد شرایط صدور چک، قانون محل صدور و قانون محل پرداخت در ردیف یکدیگر قرار داده شده است و حال آن که قانون ایران بر خلاف اصل کلی مربوط به طرز تنظیم اسناد که تابع محل تنظیم خود می‌باشند.^۲ در مورد چک‌هایی که در خارج از ایران صادر شده و در ایران پرداخت می‌شود، رعایت قانون محل پرداخت را بر قانون محل

۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج. ۳، چ. ۹، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۴.

۲. ماده ۹۶۸ ق.م. مقرر می‌دارد: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر این که متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند».

صدور ترجیح داده و چک‌های مزبور را تابع مقررات ایران شمرده و تنها مطالبه این گونه چک‌ها را چهارماه از تاریخ صدور قرار داده است (ماده ۳۱۷ ق.ت.ا).

۱- ۳- دریافت و وصول وجه چک

دارنده چک بعد از مراجعه به بانک، تقاضای وصول و پرداخت وجه چک را می‌نماید و متصدی پرداخت وجه چک نیز باید مطابق مقررات، نسبت به صادرکننده و دیگر مسئولان چک مراقبت‌های لازم را در حدود عرف بانکداری به عمل آورد که از آن جمله می‌توان به - رعایت مقررات راجع به تنظیم چک، تطبیق امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود وی که قبلاً در کارت مخصوصی نگه داشته می‌شد که با پیشرفت تکنولوژی و ابزار الکترونیکی و مجهز شدن بانک‌ها به رایانه و آنلاین بودن بانک‌ها، نمونه امضای صادرکننده چک با وارد کردن شماره حساب اختصاصی وی، روی صفحه رایانه ظاهر می‌گردد که این امر تطابق امضای صادرکننده را آسان‌تر و دقیق‌تر از قبل کرده است؛ احراز هویت مطالبه‌کننده وجه چک در خصوص چک‌هایی که در وجه شخص معین است، رسیدگی به مرتب بودن ردیف ظهرنویس‌ها با تسلسل امضاها، کنترل امضای پشت چک که در حضور خود توسط گیرنده وجه چک به هنگام مطالبه وجه آن انجام می‌شود و اگر چک در وجه حامل باشد، پرداخت وجه چک در صورت وجود محل و اجرای دستور عدم پرداخت وجه چک که از سوی صادرکننده در صورت جعل، سرقت، مفقودی، تحصیل آن از طریق کلاهبرداری، خیانت در امانت و جرایم دیگر، صادر می‌شود، نام برد.

بهموجب قسمتی از ماده ۳ ق.ص.چ، چک نباید به صورتی تنظیم شود که مواجه با عدم پرداخت در بانک شود. قانون‌گذار بعضی از این موارد را به عنوان نمونه، ذکر نموده است از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم‌خوردگی در متن چک و یا اختلاف در مندرجات آن و امثال آن. امضای چک باید مطابق نمونه‌ای باشد که به هنگام افتتاح حساب به بانک داده شده است. کارمند بانک قبل از پرداخت موظف به کنترل امضا است. کنترل امضا در حد عرف بانکداری است به طوری که در مقام مقایسه یک شخص معمولی که با کار امضا سر و کار دارد بتواند عدم مطابقت را تشخیص دهد. اگر امضای چک در حد عرف بانکداری با

امضایی که به هنگام افتتاح حساب داده شده است، مطابقت داشت، بانک وجه چک را پرداخت می‌کند. در این صورت امکان جعل امضا وجود دارد که اگر در حد عرف بانکداری احتیاط نموده باشد، بانک مقصر نیست. در متن چک نیز نباید قلم‌خوردگی وجود داشته باشد؛ زیرا، وجود قلم‌خوردگی حاکی از اخلال در تنظیم چک است. مشکل دیگری مشابه قلم‌خوردگی مانند آب‌خوردگی به نحوی که کاغذ را با مشکل خواندن مواجه کرده باشد و یا پارگی به شکلی که قسمتی از چک وجود نداشته باشد و یا چسباندن آن پس از پارگی ایراداتی است که در بانک مواجه با ممانعت از پرداخت می‌گردد. مندرجات چک نیز باید منطبق بر هم باشد؛ فرضاً در مورد تاریخ صدور چک اگر با حروف و رقم هر دو نوشته شده است، رقم و حروف با هم منطبق باشند. عدم انطباق آن در بانک ایجاد مشکل می‌کند و ماده ۲۲۵ ق.ت. که به موجب آن تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می‌شود. اگر مبلغ بیش از یک دفعه با تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شود و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است و در دادگاه حل مشکل می‌نماید نه در بانک.

۲ - تکالیف دارنده چک در صورت بلامحل بودن چک

۲ - ۱ - تسجیل عدم پرداخت یا کسر موجودی

دارنده چک بایستی با رعایت مهلت‌های مقرر قانونی با مراجعه به بانک تقاضای وصول و پرداخت وجه چک را نماید که در صورت وجود موجودی در حساب صادرکننده و نبود هرگونه منع قانونی یا شخصی، متصدی پرداخت وجه چک، پس از رعایت مقررات قانونی، وجه چک را به دارنده چک پرداخت می‌نماید و در صورت بلامحل بودن چک یا عدم پرداخت آن به هر دلیل، دارنده چک برای آن که بتواند از مزایای مقرر در قانون - من جمله اقامه دعوا - تأمین خواسته بدون تودیع خسارات احتمالی و... علیه صادرکننده و سایر مسئولان چک استفاده نماید، بایستی درخواست برگشت چک و صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت نماید؛ به عبارت دیگر، بایستی عدم پرداخت چک را تسجیل نماید.

اعتراض یا واخواست چک عبارت است از احراز رسمی این امر که دارنده چک در موعد

مقرر پرداخت وجه آن را مطالبه نموده ولی وجه چک پرداخت نگردیده است. در حقیقت با تنظیم اعتراض نامه ثابت می‌شود که دارنده چک به وظیفه قانونی خود در ارائه چک جهت مطالبه وجه آن در سررسید اقدام نموده و چک با عدم پرداخت مواجه شده است.

ماده ۳۱۴ ق.ت.، اعتراض و اقامه دعوا را مطابق مقررات مربوط به برات دانسته است و دارنده چک بایستی اقدام به اعتراض یا واخواست نماید. حال سؤال این است که آیا گواهی نامه عدم پرداخت چک می‌تواند نبود محل (بلامحل بودن چک)، کسر موجودی، تسجیل عدم پرداخت چک و... را اثبات نماید یا نه؟

شایان ذکر است که در این خصوص، آرای متعددی صادر گردیده که در نهایت دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۰۷/۱۰ رویه متحدالشکلی را برای اجرا در تمام دادگاهها مقرر نمود.

رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۰۷/۱۰ مقرر می‌دارد:

«قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ در مادتين ۲ و ۳ و قانون تجارت به شرح مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ ق.ت. شرایط خاصی را در مورد چک مقرر داشته که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکلیف دارنده چک از لحاظ موعد مراجعه به بانک و اقدام بانک محال علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تأدیه وجه آن و وظیفه قانونی بانک دایر به اخطار مراتب به صادرکننده چک می‌باشد. مسئولیت ظهرنویس چک موضوع ماده ۳۱۴ ق.ت. هم براساس این شرایط تحقق می‌یابد و واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ ق.ت. قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی‌کند. بنابراین، گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده به منزله واخواست می‌باشد و رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که هیئت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور هم با آن موافقت داشته، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

ماده ۴۰ کنوانسیون ژنو زیر عنوان (بخش ششم: در حق رجوع به جهت عدم تأدیه)

مقرر می‌دارد:

«در صورتی که وجه چک در هنگام ارائه آن در موعد مقرر پرداخت نگردد، عدم پرداخت مزبور (به یکی از طرق زیر) گواهی می‌شود.

۱. از طریق یک سند رسمی (اعتراض نامه)، یا ۲. به وسیله اعلامیه محال علیه، تحریر شده با تاریخ در روی چک به اضافه ذکر روز ارائه، یا ۳. توسط اعلامیه تاریخ دار اتاق پایا پای حاکمی از تسلیم چک در مهلت مقرر و عدم پرداخت آن.

دارنده چک می‌تواند حق رجوع خود را علیه ظهرنویسان، صادرکننده و سایر مسئولان چک اعمال نماید.»

هم‌چنین ماده ۴۱ کنوانسیون مزبور مقرر می‌دارد:

«اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن باید پیش از انقضای مهلت ارائه چک تنظیم شده باشد. در صورتی که چک در آخرین روز مهلت ارائه شود، اعتراض‌نامه یا گواهی معادل آن می‌تواند در اولین روز کاری بعد تنظیم گردد.»

برای مطالبات عادی نیاز به اعلام قبلی نیست اما برای مطالبه وجه چک و استفاده از مزایای قانونی آن ارائه چک به بانک و دریافت گواهی عدم پرداخت ضروری است؛ این گواهی وسیله اثبات نبود موجودی یا کسر موجودی و شرط لازم تعقیب کیفری است. هرگاه گواهی‌نامه مذکور ارائه نگردد به حکم ماده ۱۱ ق.ص.ج. تعقیب کیفری صادرکننده مجاز نخواهد بود. البته اگر بعد از برگشت چک، دارنده آن مجدداً به بانک مراجعه و وجه چک موجود باشد، بانک مکلف به پرداخت آن است در این صورت گواهی برگشت قبلی توسط بانک ابطال خواهد شد.

چک حاکی از طلب دارنده و گواهی عدم پرداخت گویای عدم پرداخت طلب به دارنده است. از سوی دیگر، چون چک به صرف امضا به دیگری منتقل می‌شود، بنابراین منعی در انتقال چک به دیگری حتی پس از صدور گواهی عدم پرداخت وجود ندارد؛ قضات کشور در این خصوص معتقدند هر چند صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت چک دارای آثار و تبعاتی از لحاظ کیفری و مدنی می‌باشد ولی گواهی مزبور مانع انتقال به دیگری نیست. ماده ۳۱۲ ق.ت. مقرر داشته: «چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد، ممکن است به صرف امضا در ظهر به دیگری منتقل شود». بنابراین حق انتقال چک با صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت زایل نمی‌شود و منتقل‌آیه می‌تواند مبادرت به تقدیم دادخواست و اقامه دعوا نماید.

از نظر کیفری چنین انتقالی سبب اسقاط حق شکایت کیفری می‌شود، زیرا، منتقل‌آیه به مفهوم ماده ۱۱ ق.ص.ج. دیگر دارنده محسوب نمی‌شود. رویه قضایی نیز این عقیده را

تأیید می‌کند.^۱

چکی که قابلیت گردش دارد و از منشأ خود منفک می‌شود دیگر مبین يك رابطه حقوقی صرف میان طلبکار و بدهکار نیست. وضعیت مالی و اعتباری تجار، تحت تأثیر این سند قرار می‌گیرد و چه بسا که ورشکستگی صادرکننده‌ای بر وضعیت مالی سایرین تأثیر مستقیمی باقی می‌گذارد. پس کسانی شایسته چنین سندی هستند که علاوه بر تمکن مالی، به تأمین وجه مندرج در آن متعهد بوده و به آثار حقوقی و تبعات ناشی از امضای خود، مطلع باشند. لذا، هرگاه آثار بی‌قیدی در قبال این سند ظاهر شد و صادرکننده با صدور چك بلامحل نشان داد دیگر به عهد بسته شده وفادار نیست باید حربه ارتکاب جرم را از دست او گرفت تا از بروز اخلال در روابط مالی و تجاری تجار جلوگیری شود.

بانك‌ها به هنگام افتتاح حساب جاری، مقرر می‌نمایند که اگر مشتری مبادرت به صدور يك فقره چك بلامحل نماید، حساب جاری وی را درگیر تلقی کرده و از اعطای دسته چك جدید به چنین مشتریانی خودداری می‌نمایند.^۲

این تعهد ریشه در توافق بانك و مشتری دارد. برخی از کشورها با برداشتن گام‌هایی به جلو برای آن مبنای قانونی پیش‌بینی کرده‌اند. ماده ۲ - ۶۵ اصلاحی سال ۱۹۹۱ قانون فرانسه از جمله این قوانین است که در ارتباط با موضوع مورد بحث بیان می‌دارد: «وقتی مشتری حتی يك فقره چك، بی‌محل کشیده باشد بانك محال‌علیه و سایر بانك‌ها با آگاهی از مورد، به وسیله بانك مرکزی، دیگر نمی‌توانند دسته چك عادی تحویل نامبرده نمایند». رویه قضایی نیز از سال‌ها قبل در راستای چنین سخت‌گیری سنجیده‌ای گام برداشته است. چنانکه شعبه بازرگانی دیوان کشور فرانسه در یکی از آرای صادره بیان داشته است: «هر بانك که وضع پیریشان مشتری را بداند و مع ذلك دسته چك عادی در اختیارش قرار دهد در صورت اصدار چك بی‌محل، مسئولیت خواهد داشت».^۳

۱. کامیار، غلامرضا، مجموعه محشای قانون صدور چك (علمی، تطبیقی، کاربردی)، انتشارات مجد، چ. ۲، تهران، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۰.

۲. ر.ک.: مقررات و شرایط عمومی حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری.

۳. حکم مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۸۵ شعبه بازرگانی دیوان کشور فرانسه (به نقل از: صقری، محمد، مقاله جهات قابل مذاقه در حقوق کنونی فرانسه، مجله حقوقی دادگستری، ش. ۳۱، ص. ۲۱)

وفق ماده ۲۱ ق.ص.ج. بانک‌ها مکلف‌اند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی که بیش از یک‌بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آن‌ها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد را بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند.

در عمل بانک‌ها با استناد به قرارداد منعقدہ بین بانک و مشتری - که طی موادی از آن به مشتری تذکر داده شده که در صورت صدور چک بلامحل، بانک حساب جاری وی را مسدود و از دادن دسته چک به وی خودداری خواهد کرد - اقدام می‌کنند که به نظر می‌رسد این اقدام بانک با ماده ۲۱ مذکور در تضاد می‌باشد. و به این ترتیب، لغو آیین‌نامه مغایر با قانون از طرف دیوان عدالت اداری را ایجاب می‌نماید.^۱

چنین تمهیداتی، مراقبت در صدور چک را افزایش می‌دهد و عملاً سبب خلع سلاح صادرکنندگان چک‌های بلامحل می‌شود. البته قانون ما در خصوص استرداد چک‌های باقی‌مانده در دست مشتریان ساکت است. نگرانی از صدور چک‌های بلامحل از دسته چک‌های آتی، کمتر از نگرانی از صدور چک بلامحل توسط چک‌های باقی‌مانده در دست مشتریان بد حساب نیست. پس باید به گونه‌ای چک‌های موجود به بانک محال‌علیه مسترد شود.^۲

۲- مهلت‌های مقرر قانونی جهت اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت

در این خصوص بایستی گفت که دارنده چک باید در مهلت‌های مقرر قانونی به بانک محال‌علیه مراجعه نموده و اقدام به وصول وجه چک نماید و در صورت بلامحل بودن نسبت به اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت اقدام نماید. در خصوص مهلت ارائه چک به بانک محال‌علیه و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت در قانون صدور چک و قانون تجارت، محدودیتی برای مدت ارائه چک و مطالبه وجه آن از بانک محال‌علیه و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت، پیش‌بینی نشده و مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ ق.ت. مرور زمان مربوط به دعاوی چک را عنوان نموده که این موضوع

۱. به نقل از؛ قائم‌مقام فراهانی، محمدحسین، بررسی مسایل کیفری و حقوقی چک، ج. اول، نشر میزان، تهران،

۱۳۷۸، ص. ۳۰.

۲. کامیار، همان، ص. ۱۹۹.

ارتباطی با پرداخت وجه چک و صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت توسط بانک ندارد. چون ممکن است چندین نفر مسئول پرداخت وجه چک باشند، لذا دارنده چک برای این که بتواند جهت وصول وجه چک به دیگر مسئولان نیز مراجعه نماید، بایستی در مهلت‌های مقرر قانونی به بانک محالاً علیه مراجعه نموده و ضمن ارائه چک، وجه آن را مطالبه نماید و در صورت بلامحل بودن، اقدام به اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت نماید. در حقوق ایران، تکلیف قانونی دارنده چک در خصوص مطالبه وجه چک در سر وعده و در صورت بلامحل بودن، اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت در مواد ۳۱۵، ۳۱۷ ق.ت. و ماده ۱۱ ق.ص.ج. و دیگر مواد مرتبط تعیین شده است. کنوانسیون ژنو نیز طبق مواد ۲۸، ۲۹، ۴۸ و دیگر مواد مرتبط، مهلت‌هایی را جهت ارائه چک تعیین نموده است.

۳-۲ - ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی جهت اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت^۱

در خصوص این موضوع بایستی گفت که ارائه چک در مهلت‌های مقرر قانونی و مطالبه وجه آن از تکالیف دارنده چک می‌باشد و مهلت‌های مقرر قانونی در خصوص مطالبه وجه چک و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت در صورت بلامحل بودن به نفع دارنده چک و در حمایت و تقویت حقوق وی است و قانون‌گذار ایران در صورت عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی ضمانت اجرایی را تعیین نموده که به تفصیل بیان می‌گردد.

قسمت اخیر ماده ۳۱۵ ق.ت. مقرر می‌دارد:

«اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند، دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود...»

البته سؤال و شبهه‌ای که در این جا ممکن است پیش بیاید این است که آیا در صورت عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی جهت ارائه و مطالبه وجه چک و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت در صورت بلامحل بودن، طرح دعوا علیه ضامن نیز منتفی است یا نه؟

بایستی گفت که جواب این سؤال در رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ بیان گردیده است به این مضمون که: «مهلت مقرر در ماده ۲۸۶ ق.ت. جهت

۱. توضیح ماهنامه «کانون»: در این قسمت، ظاهراً نگارنده محترم، به‌ناچار، جهت تبیین دقیق موضوع، مطالبی را به تکرار آورده است.

استفاده از حقی که در ماده ۲۴۹ ق.ت. برای دارنده سند تجاری منظور کرده، ناظر به طرح دعوا علیه ظهرنویس ظرف مهلت مقرر از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت است و ناظر به شخصی که به عنوان ضامن ظهر چک را امضا کرده و یا به هر تقدیر ضمانت وی از صادرکننده احراز شده، نیست.»

ماده ۱۱ ق.ص.ج. نیز مقرر می‌دارد:

«... در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت، شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت...»

بنابراین، در صورت قصور دارنده چک از انجام تکالیف خود، حق رجوع به ظهرنویسان و طرح شکایت کیفری را از دست خواهد داد. اما نباید منکر این باشیم که دادن اختیار به مسئولان چک در افزایش مهلت ارائه چک و مطالبه وجه آن و یا تمدید آن و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت، اعتبار و سرعت لازمه گردش چک را به مخاطره می‌اندازد. لذا، ضرورت دارد قانون‌گذار در محدوده چهارچوب معینی به افراد اجازه فعالیت بدهد تا ضمن حفظ اعتبار این سند مهم تجاری، سرعت گردش آن را نیز که از ویژگی‌های مهم آن محسوب می‌شود، افزایش دهد.

۴ - ۲ - اقامه دعوا در مهلت‌های مقرر قانونی و ضمانت اجرای آن

با بررسی مواد مندرج در قانون تجارت متوجه می‌شویم که برای طرح دعوای حقوقی چک چهار نوع مرور زمان پیش‌بینی شده است که به ترتیب به شرح آنها می‌پردازیم.

۱ - مرور زمان یک‌ساله:

ماده ۲۸۶ ق.ت. مقرر می‌دارد:

«اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده، بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر دانسته استفاده کند باید در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوا نماید.»

ماده ۳۱۸ ق.ت. مقرر می‌دارد:

«دعای راجعه به برات و فته‌طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض‌نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود»

مگر این که در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین واقع شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است.

در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می‌شود.»

ماده ۳۱۹ ق.ت. مقرر می‌دارد:

«اگر وجه برات یا فته‌طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج‌ساله مطالبه کرد، دارنده برات یا فته‌طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله (۱۰ ساله) وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است، مطالبه نماید...»

ماده ۳۱۵ ق.ت. مقرر می‌دارد:

«اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه نماید و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد، باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود...»

ماده ۳۱۷ ق.ت. نیز مقرر می‌دارد:

«مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد؛ لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه نماید، چهارماه از تاریخ صدور است.»

البته شورای نگهبان، مرور زمان را غیرشرعی اعلام نموده است.

کنوانسیون ژنو در ماده ۵۲ ذیل عنوان «بخش ششم: در مرور زمان» مقرر می‌دارد:

«دعاوی مبتنی بر حق رجوع دارنده علیه ظهرنویسان، صادرکننده و دیگر مسئولان چک پس از گذشت شش‌ماه از تاریخ انقضای مهلت ارائه سند، مشمول مرور زمان خواهد بود.

دعاوی مبتنی بر حق رجوع مسئولان مختلف پرداخت چک نسبت به یکدیگر پس از شش‌ماه از روزی که مسئول پرداخت، چک را تأدیه نموده یا روزی که به وی مراجعه شده است، مشمول مرور زمان خواهد گردید.»

لذا، مستنبط از ماده مذکور این است که کنوانسیون ژنو یک مهلت و مرور زمان

شش‌ماهه را جهت اقامه دعوا مقرر نموده است.

ماده ۱۱ ق.ص.ج. نیز مهلت شش‌ماهه را جهت مطالبه وجه چک از تاریخ صدور و

طرح شکایت کیفری از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت تعیین نموده است.

مطالبه وجه چک از طریق اجرای ثبت محل مقید به مهلتی نشده و ماده ۲ ق.ص.ج.،

اقدام به وصول وجه چك را مقید به رعایت قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی کرده است.

۵-۲ - ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی جهت اقامه دعوا

در این خصوص بایستی گفت که در صورتی که دارنده چك بلامحل طبق قانون به تکالیف خود عمل ننماید، از برخی از حقوق و امتیازاتی که قانون‌گذار برای دارنده، مقرر نموده، محروم می‌شود. البته ناگفته نماند که ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت‌های مقرر قانونی جهت اقامه دعوی کیفری، حقوقی و مطالبه وجه چك از طریق اجرای ثبت، تفاوت‌هایی با هم دارند که به تفصیل ذیلاً بیان می‌گردد.

مطابق ماده ۱۱ ق.ص.چ. در طرح دعوی کیفری در صورتی که دارنده چك بلامحل، ظرف مدت ۶ ماه پس از صدور، چك را به بانک ارائه ننماید یا ظرف ۶ ماه از زمان صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت، شکایت کیفری ننماید، حق شکایت کیفری در هر حال (چه به دلیل عدم مراجعه و دریافت به موقع گواهی عدم پرداخت و چه عدم اقدام به موقع در مورد شکایت کیفری پس از دریافت گواهی‌نامه عدم پرداخت) از وی سلب می‌شود.

در خصوص مهلت ارائه چك به بانک محال علیه، هم‌چنان که پیش از این بیان شد، اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت و طرح دعوی حقوقی بایستی گفت که در قانون صدور چك و قانون تجارت، محدودیتی برای مدت ارائه چك و مطالبه وجه آن از بانک محال علیه و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت، پیش بینی نشده و مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ ق.ت. مرور زمان مربوط به دعوی چك را عنوان نموده که این موضوع ارتباطی به پرداخت وجه چك و اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت توسط بانک ندارد. البته، چون ممکن است چندین نفر مسئول پرداخت وجه چك باشند، لذا دارنده چك برای این که بتواند جهت وصول وجه چك به دیگر مسئولان نیز مراجعه نماید، بایستی در مهلت‌های مقرر قانونی به بانک محال علیه مراجعه نموده و ضمن ارائه چك، وجه آن را مطالبه نماید و در صورت بلامحل بودن، اقدام به اخذ گواهی‌نامه عدم پرداخت نماید.

نتیجه

قانون گذار در اعتبار بخشیدن به سند تجاری چک، موفقیت چشمگیری نداشته و به ناچار مقررات حاکم بر چک، بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. حال آن که به دلیل ابهام و تعارض‌های فراوان نتوانسته جایگاه ویژه چک را معین کند و به همین دلیل، دستگاه قضایی کشور در حل و فصل دعاوی مربوطه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. واقع آن است که این وسیله پرداخت نقدی با همه تدابیر قانونی و قضایی هنوز به عنوان يك سند تجاری اعتباری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به منظور کاربرد صحیح این سند، علاوه بر داشتن مقررات کامل و منسجم، هماهنگی میان سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه ضروری به نظر می‌رسد.

با این که ظهنویسی و انواع آن در کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترال و حقوق ایران تعریف نشده است، اما در حقوق ایران می‌توان چنین گفت که ظهنویسی عبارت است از قید عباراتی در ظهر سند که این عمل حقوقی، اغلب وسیله انتقال سند تجاری (برات، سفته و چک) به شخص منتقل‌الیه محسوب می‌گردد. ظهنویسی علاوه بر انتقال مالکیت سند تجاری به عنوان وکالت، ضمانت و یا وثیقه نیز صورت می‌گیرد.

در مقایسه با کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترال، ظهنویسی و انواع آن در حقوق ایران به صورت ناقص بیان شده است.

در ظهنویسی به عنوان وکالت در کنوانسیون ژنو و حقوق ایران پیش‌بینی گردیده است که دارنده چک برای وصول وجه آن می‌تواند کلیه حقوق ناشی از آن را اجرا نماید، مگر این که ظهننویس، شرط خلافی را قید کند. ولی در حقوق ایران دارنده سند تجاری تا زمانی که حق وکالت در توکیل تصریح نشده باشد، نمی‌تواند برای وصول اقدام به ظهننویسی مجدد نماید. هم‌چنین با فوت وکیل و یا حجر ظهننویس، دارنده، منعزل می‌شود.

پیشنهاد می‌گردد در قانون تجارت ایران نیز در ظهننویسی به عنوان وکالت با فوت یا

حجر ظهننویس، وکیل در وصول از سمت خود منعزل نشود.

ظهرنویسی به عنوان ضمانت در کنوانسیون ژنو به تفصیل بیان شده است؛ اما قانون گذار ایران به طور مختصر به ظهرنویسی مذکور اشاره کرده است. در این نوع ظهرنویسی، ضامن با امضای چک در مقابل دارنده همراه با مضمون عنه خود، مسئولیت تضامنی پیدا می کند. اگر مضمون عنه مشخص نباشد، در کنوانسیون ژنو، فرض بر این شده که تضمین به نفع صادرکننده داده شده است؛ اما قانون ایران در این زمینه ساکت است؛ لیکن چون با بری الذمه شدن صادرکننده، سایر مسئولان چک نیز بری الذمه می شوند، لذا، بهتر است، قانون گذار ایران نیز همانند کنوانسیون ژنو در صورت مشخص نبودن مضمون عنه، صادرکننده را مضمون عنه تلقی نماید.

در کنوانسیون ژنو پیش بینی شده است که هر شخصی اعم از شخص ثالث و امضاکننده چک می تواند چک را به عنوان ضمانت امضا نماید؛ در این مورد نیز قانون گذار ایران سکوت اختیار کرده است. ولی در این خصوص می توان گفت با توجه به این که قانون گذار ایران، مسئولان سند تجاری را از امضا به عنوان ضمانت منع نکرده است، لذا، با توجه به اصل اباحه، پیشنهاد می شود که در حقوق ایران نیز علاوه بر شخص ثالث، مسئولان سند تجاری هم بتوانند چک یا سند تجاری را به عنوان ضامن، ظهرنویسی نمایند.

ظهرنویسی سند تجاری به عنوان وثیقه در کنوانسیون ژنو مورد پذیرش واقع شده و مقررات مربوط به آن بیان شده است؛ لیکن در حقوق تجارت ایران به این نوع ظهرنویسی اشاره نشده است. اما با توجه به مقررات عقد رهن در قانون مدنی، وثیقه قرار دادن سند تجاری مثل چک، جایز نیست. لیکن با توجه به قانون ایران پیشنهاد این است که، ظهرنویسی چک یا اسناد تجاری دیگر نیز با تصویب مخصصی بر قانون مدنی، جایز شمرده شود.

- در کنوانسیون ژنو و حقوق ایران، دو اصل «مسئولیت تضامنی ظهرنویسان» و «عدم توجه به ایرادات» انتقال طلب ناشی از سند تجاری را متمایز از انتقال طلب موضوع حقوق

مدنی کرده است. در حقوق ایران با توجه به دلایل مختلف «اصل عدم توجه به ایرادات» قابلیت اعمال دارد و پیشنهاد می‌گردد؛ مقررات قانون تجارت در این زمینه با استفاده از مفاد کنوانسیون‌های متحدالشکل ژنو و کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی سازمان ملل متحد مورد اصلاح قرار گیرد.

- به موجب کنوانسیون ژنو تا زمانی که عبارت «حواله کرد» با صراحت منع نشده باشد، چک قابل ظهرنویسی است. لیکن، قانون‌گذار ایران به این مورد تصریح نکرده است. اما با توجه به این که قابل انتقال بودن اسناد تجاری امری ذاتی است، لذا، در حقوق ایران نیز تا زمانی که به صورت صریح، انتقال چک منع نشده باشد، قابل انتقال خواهد بود. به عبارت دیگر، هر سند تجاری قابل انتقال به دیگری است، مگر این که خلاف آن تصریح شود.

در کنوانسیون ژنو پیش‌بینی گردیده است که اگر ظهرنویسی، چک را بعد از سر رسید اما قبل از تنظیم اعتراض‌نامه (پروتست) یا گواهی معادل آن یا قبل از اتمام مهلت آن صورت گیرد، واجد همان آثار ظهرنویسی قبل از موعد است. لیکن بعد از اعتراض عدم تأدیبه یا بعد از اتمام مهلت اعتراض، ظهرنویسی تنها اعتبار یک انتقال ساده را دارد. در حقوق ایران چنین موردی پیش‌بینی نشده است؛ ولی با توجه به عدم منع قانون‌گذار ایران، ظهرنویسی پس از سر رسید و اعتراض عدم تأدیبه، امکان‌پذیر است.

در حقوق ایران و کنوانسیون ژنو عدم قید تاریخ ظهرنویسی موجب بطلان آن نیست. قانون‌گذار ایران همانند کنوانسیون ژنو در ماده ۲۴۶ ق.ت. به «ظهرنویسی بانام» اشاره کرده است و از مفهوم مخالف آن، ظهرنویسی سفیدامضا، استنباط می‌گردد.

در کنوانسیون ژنو، ظهرنویسی جزئی، باطل و بلااثر است و هم‌چنین شرطی که ظهرنویسی را مقید نماید، کأن لم یکن، تلقی می‌شود؛ در حقوق ایران با این که به ظهرنویسی جزئی و مشروط اشاره‌ای نشده است، منعی هم دیده نمی‌شود. به‌رغم این که این‌گونه ظهرنویسی‌ها به اعتبار چک لطمه وارد می‌سازند، ناچاراً به علت عدم منع قانونی باید معتقد به صحت آن باشیم. بنابراین، جهت تقویت اعتبار سند تجاری و چک بهتر است که قانون‌گذار ایران در این خصوص، مقررات خود را با مقررات کنوانسیون ژنو هماهنگ سازد.

در قانون تجارت ایران همانند کنوانسیون ژنو اگر شخص ثالثی بدون درج هر گونه مطلبی ظهر چک را امضا کند، ظهرنویسی تلقی می‌شود، مگر این که دلایل و قرائن حکایت از ضمانت بکند.

برخلاف کنوانسیون ژنو در حقوق ایران ظهرنویس نمی‌تواند با قید شرطی، مسئولیت خود را محدود یا منتفی نماید.

کنوانسیون ژنو در مورد گم شدن چک - به علت وجود اختلاف عقیده در بین کشورهای شرکت کننده - مقرراتی را بیان نداشته و موضوع را به قانون کشور محل پرداخت احاله کرده است؛ در مقابل قانون گذار ایران نحوه پرداخت وجه چک مفقودشده را به طور مختصر و مفید بیان داشته است.

در این مورد که کلیه مسئولان چک در مقابل دارنده چک، مسئولیت تضامنی دارند و دارنده چک در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند بدون رعایت ترتیب تعهد هر یک از حیث تاریخ، علیه آنها مجتمعاً یا منفرداً، اقامه دعوا نماید، حقوق ایران و کنوانسیون ژنو، وجه اشتراك دارند.

همچنین در حقوق تجارت ایران به موجب مواد ۲۹۲ و ۳۱۴ ق.ت. دارنده چک پس از اقامه دعوا و اعتراض، حق درخواست تأمین خواسته را دارد و دادگاه ملزم به تبعیت از درخواست دارنده چک می‌باشد. به رغم بعضی از قرارهای تأمین، قرار تأمین خواسته به هیچ وجه قابل رفع اثر نمی‌باشد. ولی، در کنوانسیون ژنو به این حق دارنده چک، اشاره نشده است. از نظر موعد پرداخت، ماده ۲۸ کنوانسیون ژنو زیر عنوان بخش چهارم «در ارائه و پرداخت» مقرر می‌دارد:

«چک به رؤیت قابل پرداخت است و شرط خلاف، بلا اعتبار می‌باشد.
چکی که پیش از روز مذکور در آن جهت پرداخت به بانک ارائه شده است، در روز ارائه قابل پرداخت می‌باشد.»

بنابراین، کنوانسیون ژنو صدور چک وعده‌دار را نپذیرفته است؛ اما در قانون ایران برخلاف کنوانسیون ژنو، مطابق ماده ۳ ق.ص.ج.، چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

اصولاً ارائه چک جهت پرداخت و احراز امتناع از آن در کنوانسیون ژنو و حقوق ایران الزامی می‌باشد. البته مهلت ارائه در کنوانسیون مذکور با حقوق ایران متفاوت است؛ چرا که ماده ۲۹ کنوانسیون مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد:

«چک قابل پرداخت در کشور محل صدور، باید ظرف هشت روز جهت پرداخت ارائه گردد. چک صادره در کشوری غیر از کشوری که در آن قابل پرداخت می‌باشد، باید ظرف بیست یا هفتاد روز، بسته به این که محل صدور و محل پرداخت هر دو در يك قاره یا یکی از آنها در قاره دیگری از جهان واقع شده است، ارائه گردد...»

در حقوق ایران و کنوانسیون ژنو عدم پرداخت باید از طریق اعتراض محرز گردد و لازمه اقامه دعوا و رجوع به مسئولان چک، اعتراض به موقع می‌باشد. اما تفاوت اساسی که حقوق ایران با کنوانسیون ژنو دارد، در این است که در حقوق ایران، دارنده در هر حال مکلف به اعتراض (واخواست) می‌باشد و هیچ يك از مسئولان چک یا دیگر اسناد تجاری، نمی‌تواند او را از واخواست معاف نماید. اما در کنوانسیون ژنو، صادرکننده، ظهرنویس یا ضامن با قید شرط «بدون اعتراض» یا هر عبارت معادل آن می‌تواند دارنده را از اعتراض، معاف نماید.

در کنوانسیون ژنو دارنده می‌تواند عدم پرداخت چک در موعد مقرر را از طریق يك سند رسمی (اعتراض‌نامه)، اعلامیه تاریخ‌دار محال علیه تحریر شده در روی چک، اعلامیه تاریخ‌دار اتاق پایاپای حاکی از تسلیم چک در موعد مقرر و عدم پرداخت آن، تسجیل نماید، اما در حقوق ایران گواهی‌نامه عدم پرداخت چک صادره از طرف بانک محال علیه، واخواست تلقی می‌گردد. ماده ۳۳ کنوانسیون ژنو مقرر می‌دارد؛ «فوت یا محجور شدن صادرکننده چک پس از صدور آن به هیچ وجه تأثیر در چک نخواهد داشت. البته می‌توان مقرر نمود که در صورت فوت یا ورشکستگی محال علیه نیز، دارنده از اعتراض عدم تأدیه معاف شود. در خصوص مهلت اعتراض عدم تأدیه نیز حقوق ایران با کنوانسیون ژنو هماهنگ نیست.

مقررات کنوانسیون ژنو و حقوق ایران در مورد مرور زمان از همدیگر متفاوت هستند. ولی در این خصوص که دارنده چک باید در ظرف مهلت کوتاهی حق خود را مطالبه کند تا مسئولان در کوتاه‌مدت از زیر بار تعهدات خود آزاد شوند، نزدیک به هم هستند.

در خصوص قانونی بودن مرور زمان اشاره شده در قانون تجارت ایران باید گفت که چون غیرشرعی بودن مرور زمان‌های قانون تجارت به صورت صریح از طرف شورای نگهبان اعلام نگردیده است، فلذا، همچنان دارای وجاهت قانونی می‌باشد و بعد از مرور زمان مقرر در قانون تجارت، دارنده چك فقط براساس تئوری دارا شدن بلاجهت می‌تواند به کسی که محل چك در نزد اوست مراجعه نماید.

در کنوانسیون ژنو دارنده چك فقط می‌تواند از طریق اقامه دعوی حقوقی علیه مسئولان چك، طرح دعوا نماید، اما در حقوق ایران علاوه بر اقامه دعوی حقوقی، دارنده چك می‌تواند از طریق اقامه دعوی کیفری و دایره اجرای اسناد رسمی، نسبت به تعقیب کیفری صادرکننده چك و وصول وجه چك اقدام نماید که در این خصوص حقوق ایران راه‌های بیشتری را جهت وصول وجه چك پیش پای دارنده گذارده است. لیکن بهتر است، تعقیب کیفری صادرکننده چك و محکومیت ایشان به حبس به دلیل جرم‌زدایی و تبعات منفی حبس، حذف گردد و به جای آن، بانک‌ها، صدور چك را مشروط به شرایط خاصی نمایند.

برخلاف کنوانسیون ژنو، شرایط شکلی چك و انواع آن یا ظهورنویسی و مقررات مربوط به آن در متون قانونی بسیار ناقص پیش‌بینی شده است. در حقوق ایران، مسئله تعارض قوانین نظیر اهلیت، قانون محل پرداخت و... طرح نشده و به نظر می‌رسد با عنایت به نیازهای بین‌المللی و ضرورت مبادله اسناد تجاری، باید مقررات کاملی در این زمینه تدوین گردد و تعارض‌های فعلی میان قانون تجارت و قانون صدور چك از این طریق مرتفع گردد. در کنار قوانین مزبور باید قوانین بانکی کشور نیز مورد بازنگری قرار گیرد، چرا که قوانین بانکی ما با نیازهای روز و استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد. قانون‌گذار ما بایستی میان انواع چك‌های مربوط به حساب جاری تفکیک نماید و چك‌های قابل انتقال فقط در اختیار کسانی قرار گیرد که از ملائت قابل اعتنا برخوردار می‌باشند و برای نظام بانکی هم از زمان افتتاح حساب جاری تا عدم پرداخت، يك سلسله تکالیف پیشگیرانه و بازدارنده همراه با ضمانت اجرای مناسب از جهات مدنی و کیفری پیش‌بینی کند.

نهایتاً این که قانون تجارت در زمینه اسناد تجاری بایستی همگام با سایر نظام‌های

حقوقی و کنوانسیون‌های بین‌المللی متحول شود تا بیش از پیش نسبت به تقویت ارزش و اعتبار اسناد تجاری و تسریع گردش آن مساعدت شود. در این راستا استفاده از راه‌حل‌های اتخاذشده در کنوانسیون‌های متحدالشکل ژنو مصوب ۱۹۳۱ و کنوانسیون برات و سفته بین‌المللی مصوب ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد راهگشا خواهد بود.

منابع

الف) کتاب

۱. بهرامی، بهرام، *وصف جایگزینی (وصف تبعی در اسناد تجاری)*، ج. ۲، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بینه، بهار ۱۳۸۳.
 ۲. دمیرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی و قرائی، محسن، *قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی*؛ انتشارات میثاق عدالت، چ. ۴، ۱۳۸۴.
 ۳. زراعت، عباس، *محتسای قانون آیین دادرسی مدنی*، چ. اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۶.
 ۴. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، ج. ۳، چ. ۹، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۲.
 ۵. فخاری، امیرحسین، جزوه درسی پلی کپی شده حقوق تجارت بین‌الملل، دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، سال تحصیلی ۱۳۸۵.
 ۶. قائم‌مقام فراهانی، محمدحسین، *بررسی مسائل کیفری و حقوقی چک*، چ. اول، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۷۸.
 ۷. کامیار، غلامرضا، *مجموعه محتسای قانون صدور چک (علمی، تطبیقی، کاربردی)*، چ. ۲، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
 ۸. یعقوبی، عبداله‌اشم، *نحوه رسیدگی به جرایم چک و دعاوی چک و سفته در دادگستری و اجرای ثبت*، چ. ۳، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۳.
- ب) مقاله
۱. رسولی، مجید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، *ضمانت در اسناد تجاری*، مؤسسه عالی بانک‌داری ایران، بهار ۱۳۸۱.